

«کوه یخ» رئیس‌جمهور ۱۴۰۰ چیست؟

در برنامه‌های اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ یعنی دولت‌های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم، یک «کوه یخ» بزرگ وجود داشت که در چشم انداز طرح شده می‌بایست تا امروز نشانی از آن نباشد؛ این کوه یخ که نمایانگر سهم دولت در اقتصاد است، نه تنها در طول دو دوره ۸ ساله آقایان احمدی‌نژاد و روحانی از بین نرفت که حجیم و حجیم‌تر شد و ترسیم نکردن اقدام و برنامه‌های عاجل برای از بین بردن آن، نه تنها آینده‌ای نامعلوم داشته بلکه اقتصاد را نیز رو به اضمحلال خواهد برد. نوشتار حاضر در مقام پاسخ به این دو پرسش برآمده است:

- چرا مهمترین چالش رئیس‌جمهور آینده ایران، ذوب کردن این کوه یخ است؟
- اگر ۴ یا ۸ سال پیش رو هم به سیاق ۱۶ سال گذشته، دولت نتواند راهی برای میدان دادن به بخش خصوصی واقعی در عرصه اقتصاد بیاید، چه بر سر اقتصاد ایران خواهد آمد؟

دهه پیش‌رو برهه حساس و حیاتی پیش روی اقتصاد ایران است؛ برهه‌ای که واگذاری اختیارات به بخش خصوصی از مرحله نمایش، امتیاز و یا لطف خارج می‌شود و حاکمیت برای ادامه حیات اقتصادی، چاره‌ای جز تکیه بر توانمندی‌های بخش خصوصی ندارد. دهه پیش رو خبر از روزهایی می‌دهد که دیگر چاه‌های نفت تاب و توانی برای به دوش کشیدن بار سنگین اقتصادی ندارند و برای تامین معاش باید بر مزیت‌ها تکیه کرد و زمام امور به تجربه اهالی اقتصاد سپرد.

چندان تفاوتی نمی‌کند رئیس‌جمهور آینده ایران اصولگرا باشد یا اصلاح‌طلب یا با تکیه بر مواضع میانه‌روی یکی به نعل بزند و یکی به میخ؛ هرکه زمام دولت را به دست گیرد در حوزه اقتصاد یک راه بیشتر پیش رو ندارد و آن، گام زدن بیرون از دایره اقتصاد بسته دولتی است. رئیس‌جمهور آینده ایران چاره‌ای ندارد جز آنکه حیات و ممت اقتصاد را محور همه امور قرار دهد و سیاست و دیپلماسی را بر محوریت گشایش اقتصادی تعبیر و تفسیر کند.

از سوی مقابل، دولت آینده برای بخش خصوصی از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ تحریم‌های سنگین، از دست دادن بازارها به واسطه ممنوعیت مرادات مالی در سطح بین‌المللی و البته شیوع کرونا، کسب و کار فعالان بخش خصوصی را در شرایط بحرانی و حاد قرار داده است و فرصتی برای تعلل نمانده است. تاب‌آوری بخش خصوصی در برابر تکانه‌های اقتصادی به کمترین میزان خود در سه دهه گذشته رسیده و کوچکترین ضربه‌ای می‌تواند برخی کسب و کارها را تا نابودی کامل پیش ببرد. به همین رو بخش خصوصی بی‌پرده و شفاف خواسته‌های خود را از رئیس‌جمهور آینده بیان می‌کند. بخش خصوصی، نیاز غریب و دور از دسترس و نخواستگی ندارد. خواسته‌ها همان است که بود: تسهیل فضای کسب و کار و البته ثبات قوانین.

حجم بالای قوانین، بخشنامه‌ها و ضوابط خلق الساعه و تغییرات پیاپی این قوانین، فعالان اقتصادی را به زانو درآورده و امروز تاب‌آوری بخش خصوصی به مو رسیده و با اندک تلنگری همان مو هم پاره می‌شود و اقتصاد ایران در ابعاد کلان به زانو در می‌آید. خواسته بخش خصوصی از دولت آینده به صورتی موجز، صریح و شفاف همان است که مقام معظم رهبری به عنوان شعار سال برگزیدند. حتی اگر دولت بتواند نیمی از هدف و روح این شعار را محقق کرده و به معنای واقعی مانع‌زدایی از کسب کارها و تولید را انجام دهد، گشایش اقتصادی به عنوان گمشده دهه گذشته، در دهه نخست ۱۴۰۰ حاصل خواهد شد.

تاریخ ملل و توسعه به خوبی بیانگر این مهم است که هر کجای تاریخ و در هر کجای این پهنه پهناور، دولت‌ها خود را محق به دخالت در تمام شئون زندگی دانسته و کمترین بهره را از نظر اهالی فن نداشته‌اند، آن دولت راه سلامت نیپموده است. اقتصاد، عیان‌ترین مصداق و گواه این مدعاست و مروری بر روند توسعه اقتصادی کشورها در نیم قرن گذشته نشان می‌دهد که اقتصاد

های دولتی تنها با تکیه بر منابع و خام فروشی، دوام آورده و روز به روز مهجورتر شده‌اند و اقتصاد های باز و متکی بر ظرفیت ها و مزیت ها، شاداب تر و مقاوم تر شده‌اند. این مسیری است که بدون تردید پیش روی رئیس‌جمهور آینده ایران قرار دارد. طی سال های گذشته بخش خصوصی تبدیل به ویتترین دولت شده و سطح تعامل دولت و بخش خصوصی از سطح وعده ها فراتر نرفته؛ چنانکه معذور وعده های تحقق یافته هم در برهه هایی بوده که دولت نیازمند کسب وجاهت از سوی بخش خصوصی بوده است. لیک آنچه این روند را تحکیم بخشیده تکیه بر منابع ارزی حاصل از فروش نفت و گاز بوده است؛ منبعی که به گواه مناسبات جهانی، دیگر پایداری گذشته را ندارد و دولت باید بخش خصوصی را به بازیگر اول میدان اقتصاد بدل کند. نکته دیگری که می‌بایست حتما هر دولتی که در راس امور قرار می‌گیرد به آن توجه نماید این است که در هر برنامه و فکر ظاهراً عالی که از سوی مسئولان و مجریان دولتی ترجیح داده می‌شود هیچگاه عقل چند صد ساله یا چند هزار ساله فعالان واقعی در عرصه‌های مختلف کسب و کار در آن وجود ندارد و هیچکدام از مسئولین ملاحظات ظریف و دقیق این مردم را ندارند، پس باید یاد بگیرند که به جای سخن گفتن یک طرفه، حتماً با تواضع اول خوب گوش دهند تا به ارزشمندترین راه حل ها و ارزانتترین راه کارها دست یابند.

۱۴۰۰ آخرین فرصت اقتصاد ایران است برای آنکه به دست اهلش سپرده شود که اگر غیر از این باشد، چنان به بیراهه خواهد رفت که حتی تصور آینده اش غیرقابل باور است.

کیوان کاشفی عضو هیئت ریسه اتاق ایران